

## سوره «نحل» (۱۶)

### محتوای سوره

مشخصه اصلی و آشکار سوره نحل «نعمت» های الهی می باشد، بطوری که این سوره را علاوه بر نحل، «نِعَم» (جمع نعمت) هم نامیده اند. این حقیقت را از وفور مشتقات کلمه نعمت (که ۱۲ بار در سوره بکار رفته) نیز می توان دریافت و مصدر این کلمه (نعمه) به مراتب بیش از سایر سوره های قرآن در اینجا استعمال شده است.<sup>۱</sup> گرچه سوره «انعام» هم بر نعمت های بیشمار خداوند اشاره فراوان دارد، ولی بنظر می رسد در هیچ یک از سوره های قرآن تا به این حد روی این مسئله تاکید نشده باشد.

در رابطه با «نعمت» به واژه های دیگری همچون رزق، کفر (ناسپاسی از نعمت)، شکر (بهره برداری از نعمت در راه خدا)، شرک (عوامل دیگری را در نعمت ها مؤثر و موجد دانستن)، و... برمی خوریم که مجموعه این کلمات زنجیره مرتبطی را برای القای این حقیقت که خدا یکتا است و همه نعمت ها از او سرچشمه گرفته و بازگشت نهائی بسوی او است تشکیل می دهند.

نام این سوره (نحل) اشاره بیکی از نعمت های خالص و شفاف بخش و خوشگوار می باشد که از طریق کار شبانه روزی هزاران زنبور عسل برای آدمیان فراهم شده است. همین نعمت بتنهایی برای کسانی که تفکر می کنند آیه ای برای شناخت خالق یکتا می باشد (ان فی ذلک لایة لقوم یتفکرون).

در این سوره علاوه بر زنبور عسل که زندگی و تلاش مفید او آیه ای برای متفکرین

---

۱. ۶ بار در آیات شماره ۱۸-۵۳-۷۱-۷۲-۸۳-۱۱۴- بعد از سوره نحل سوره های آل عمران و مائده و ابراهیم هر کدام شامل ۳ مورد مشتقات این کلمه اند.

می باشد، به آیات مهم دیگری اشاره کرده است که هر کدام متناسب حالت انسان، هدایتگر مردمی اهل: تفکر، تعقل، تذکر، استماع و ایمان می باشد.

در اواخر سوره (آیات ۱۲۰ تا ۱۲۳) به دنبال آیاتی که از شرک و کفر آدمیان در برابر نعمت های الهی یاد می کنند، بطور کاملاً مشخص و ممتازی از «ابراهیم» بعنوان انسان نمونه و خالصی که یکسره فروتن برای خدا و شاکر نعمات او بود و هرگز شرک نورزید، نام می برد و به این ترتیب الگو و اسوه ای ابدی برای پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان ارائه می دهد:

(ان ابراهیم کان امة قانتا لله حنیفاً و لم یک من المشرکین. شاکراً لانعمه اجتباه و هدیه الی صراط المستقیم - واتیناه فی الدنیا حسنةً و انه فی الآخرة لمن الصالحین. ثم اوحینا الیک ان اتبع ملة ابراهیم حنیفاً و ما کان من المشرکین).

جالب اینکه در هر یک از سوره های قرآن که نام حضرت ابراهیم (ع) آمده است. متناسب موضوع و محتوای سوره و سیاق آیات آن، الگوی بخصوصی از حضرت ابراهیم (ع) ارائه شده است.<sup>۱</sup>

نعمت هایی که در این سوره به آن اشاره شده بسیار است. اما تعدادی از آنها با قید «لکم» و عمدتاً با فعل «جعل» به نعمت های اختصاصی انسان عنایت دارد که بصورت متمرکز در دو بخش ابتدا (از آیه ۵ تا ۱۶) و وسط سوره (آیات ۶۶ تا ۸۰) به شرح صفحه بعد آمده است:

---

۱. در سوره حجر ورود فرشتگان رحمت بر ابراهیم (موضوع ملائک) در برابر ماموریت عذابی که فرشتگان برای قوم لوط داشتند.

در سوره ابراهیم مردم دوستی و خیررسانی و محبت و رحمت ابراهیم در برابر ظلم و تجاوز و دشمنی و عداوت مردم.

در سوره توبه براءت ابراهیم از مشرکین در رابطه با موضوع محوری براءت در سوره در سوره انعام عقل و اندیشه و استدلال و برهان و حجت در زندگی ابراهیم با توجه به سیاق سوره که کاملاً جنبه ایدئولوژیک و استدلالی دارد.

در سوره نساء احسان و دوستی ابراهیم «خلیل الله» و تسلیم او به خدا در رابطه با موضوع سوره که به ارحام و نزدیکان توجه دارد.

در سوره آل عمران توحید و اخلاص ابراهیم در رابطه با موضوع سوره که به اهل کتاب و انتساب و ادعای پیروی آنها از ابراهیم مربوط است.

در سوره بقره امتحان ابتلای عظیم ابراهیم، بنای خانه و... در رابطه با موضوع سوره که به مسائل اساسی و زیر بنایی رشد انسان توجه دارد.

نعمت حاصل از چارپایان	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷	آیه (۷) والانعام خلقها (لکم) فیها دف و منافع و منها تأکلون
	۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴	آیه (۸) و (لکم) فیها جمال... و تحمل اثقالکم... لئلا یسکبوا و زینة
نعمت حاصل از باران	۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹	آیه (۱۰) هو الذی انزل من السماء ماء (لکم) منه شراب و منه شجر فیہ تسمیون
نعمت های تسخیر شده	۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳	آیه (۱۱) ینبت (لکم) به الزرع والزیتون والنخیل والاعناب و من کل الثمرات
نعمت های دریائی	۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸	آیه (۱۲) و سخر (لکم) اللیل والنهار والشمس والقمر والنجوم
نعمت های زمینی و آسمان		آیه (۱۳) و ما ذرأ (لکم) فی الارض مختلفا الوانه
		آیه (۱۴) و هو الذی سخر البحر
		لنأکلوا منه لحماً طریاً و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها و تری الفلک مواخر فیہ و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون
		و ألقی فی الارض رواسی ان تمید بکم و انهاراً و سبلاً و علامات و بالنجم هم یهتدون

آیه (۱۸) \* «وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الله لغفور رحيم»

۲۹	و ان (لکم) فی الانعام لعیبرۃ   نسقیکم... لبناً خالصاً...	آیه (۶۶)
۳۰	سکراً	آیه (۶۷) و من ثمرات النخیل والاعناب تتخذون منه
۳۱	ورزقاً حسناً	
۳۲	فیہ شفاء للناس	آیه (۷۰) ... ینخرج من بطونہا شراب مختلف الوانہ
۳۳	فی الرزق... افی نعمۃ اللہ ینجدون	آیه (۷۱) واللہ فضل بعضکم علی بعض
۳۴	ازواجاً	آیه (۷۲) واللہ جعل (لکم) من انفسکم
۳۵	بنین	و جعل (لکم) من ازواجکم
۳۶	وحفدة	
۳۷	ورزقکم من الطیبات	
	افبالباطل یؤمنون و بنعمۃ اللہ ہم ینکفرون	آیه (۷۸) واللہ اخرجکم من بطون امہاتکم...
۳۸	السمع	و جعل (لکم)
۳۹	والابصار	
۴۰	والانفثہ	
	لعلکم تشکرون	
۴۱	من بیوتکم سکناً	آیه (۸۰) واللہ جعل (لکم)
۴۲	من جلود الانعام بیوتاً تستخفونہا...	و جعل (لکم)
۴۳	ومن اصوافہا	
۴۴	واوبارہا	
۴۵	واشعارہا	
۴۶	مما خلق ظلالاً	آیه (۸۱) واللہ جعل (لکم)
۴۷	من الجبال اکثاناً	و جعل (لکم)
۴۸	سرابیل تقیکم الحر	و جعل (لکم)
۴۹	وسرابیل تقیکم باسکم	

رزق در خوردنی ها

۷ نعمت وجودی انسان (داخلی)

نعمت های خارجی محافظتی انسان

کذلک یتنعمتہ علیکم لعلکم تسلمون

«نعمت های توصیف شده در وسط سوره»

اینها نعمت‌هایی است که بطور اختصاصی با قید «جعل لکم» و «سخر لکم» خداوند به آدمیان عنایت کرده است، در این سوره نعمت‌های دیگری نیز ذکر شده که انسان همانند سایر موجودات از آنان سود می‌برد (که در جدول فوق نیامده است) و نعمت‌های دیگری که صریح ذکر نشده ولی می‌توان از سیاق آیات استنباط کرد. تعداد کل نعمت‌هایی که در جدول فوق نشان داده شده (۷×۷) ۴۹ مورد است که اگر برخی از آنها را که به دو قسمت تجزیه شده، یکی بگیریم (مثل: لیل و نهار، شمس و قمر، بنین و حفده، اثنائاً و متاعاً، سراپیل تقیکم الحرو سراپیل تقیکم بأسکم، من بیوتکم سکناً و... بیوتاً تستخفونها) و آیه ۷۱ (ردیف ۳۲) را که مربوط به فضیلت برخی در رزق می‌باشد، حذف کنیم به رقم ۴۰ می‌رسیم که عدد کامل و تمامی است.<sup>۱</sup> نکته جالب این که در پایان این نعمت‌ها با آیه: کذلک یتم نعمته علیکم لعلکم تسلمون، اتمام نعمت را وسیله‌ای برای تسلیم انسان به پروردگار منعم‌خویش می‌شمارد، و در پایان‌اولین بخش نعمت‌ها، که در ابتدای سوره قرار دارد، آیه: «وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها» به عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری این بخش آمده است.

بررسی این جدول نکات قابل توجهی را برای ما روشن می‌کند که به برخی از آنها

اشاره می‌کنیم:

\* کلمه «لکم» ۱۵ بار، لعلکم ۴ بار (۲ بار با فعل تشکرون، یکبار با تهتدون، یک بار با تسلمون) و «کم» ۱۸ بار در این مجموعه ۲۷ آیه‌ای آمده است. بطوریکه مجموعاً ۳۷ بار ضمیر «کم» در این آیات تکرار شده که به نظر می‌رسد در قرآن بی نظیر باشد. فعل مضارع مخاطب نیز ۱۴ بار در این مجموعه آمده است (تأکلون، لترکبونها، تسیمون، لتأکلوا، تستخرجوا، تلبسونها، تری، لتبتغوا، تتخذون، تستخفونها، تشکرون ۲ بار، تسلمون، تهتدون) که نشان می‌دهد خطاب کلی این آیات بطور کاملاً متمرکزی روی بندگان است و می‌خواهد با ذکر نعمت‌های اختصاصی آنها را بیدار نماید. علاوه بر آن، ۲۲ بار حرف «ل» (برای) آمده است که مالکیت و فایده این نعمتها را برای انسان می‌رساند.

\* در بخش دوم نعمت‌ها ۸ بار فعل «جعل» تکرار شده که از نظر آماری بالاترین رقم را نسبت به سایر سوره‌های قرآن دارد (۸/۷۷)، فاعل تمامی این موارد خدا و مفعول آن انسان است و همه این موارد با قید «لکم» ذکر گردیده است (والله جعل لکم...).

۱. در تفسیر نمونه نیز لیست ۴۰ نعمت نامبرده شده در سوره نحل آمده است که با جدول فوق تفاوتی دارد، در لیست مذکور از خلقت آسمانها و زمین و برخی موارد دیگر به عنوان نعمت یاد شده که چنین تصریحی در سوره نشده است، در جدول فوق تنها مواردی ذکر گردیده که قید «لکم» و «کم» در آن بکار رفته باشد.

\* در این مجموعه ۷ بار (و در کل سوره ۱۰ بار) کلمه «رزق» که نوعی نعمت است تکرار شده است.

\* همانطور که گفته شد، در این مجموعه ۴ بار (و در کل سوره ۵ بار) «لعلکم» و یک بار «لعلهم» آمده است که توجه به موضوع و نتیجه آن می تواند بسیار آموزنده باشد. این موارد بقرار ذیل می باشد: (۲ بار لعلکم تشکرون و یک بار تهتدون، تسلمون، تذکرون، یتفکرون)

آیه ۱۴- وهوالذی سخر البحر لتأکلوا منه لحماً طرياً وتستخرجوا منه حلیة تلبسونها و تری الفلک مواخر فيه ولتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون

آیه ۱۵- والقی فی الارض رواسی ان تمیدبکم و انهاراً و سبلاً لعلکم تهتدون.

آیه ۷۸- و جعل لکم السمع والابصار والافتده لعلکم تشکرون.

آیه ۸۱- والله جعل لکم مما خلق ظلالاً و جعل لکم من الجبال اکناناً و جعل لکم سراویل تقیکم الحرو سراویل تقیکم باسکم کذلک یتم نعمته علیکم لعلکم تسلمون.

آیه ۹۰- ... و ینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم لعلهم یتذکرون.

آیه ۴۴- ... وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلهم یتفکرون.

\* در این مجموعه ۷ بار (و در کل سوره ۱۰ بار) کلمه «آیه» آمده است که باز هم این رقم از نظر آماری نسبت به سایر سوره های قرآن بیشتر است <sup>۱</sup> (۷/۸۴) رابطه آیه ذکر شده با عکس العملی که انسان باید نشان دهد (تفکر، تعقل، تذکر، استماع و ایمان) بسیار جالب توجه است.

آیه ۱۱)	ینبت لکم به الزرع والزیتون والنخیل و من کل الثمرات	ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون (فکر)
آیه ۱۲)	و سخر لکم اللیل والنهار والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامرہ	ان فی ذلک لایات لقوم یعقلون (عقل)
آیه ۱۳)	و ما ذرأ لکم فی الارض مختلفاً الوانہ	ان فی ذلک لایة لقوم یتذکرون (ذکر)
آیه ۶۵)	والله انزل من السماء ماء فاحیا به الارض بعد موتها	ان فی ذلک لایة لقوم یسمعون (سمع)
آیه ۶۷)	و من ثمرات النخیل والاعناب تتخذون منه سکرأ و رزقأ حسناً	ان فی ذلک لایة لقوم یعقلون (عقل)
آیه ۶۹)	... یشخرج من بطونہا شراب مختلفاً الوانہ فیہ شفاء للناس	ان فی ذلک لایة لقوم یتفکرون (فکر)
آیه ۷۹)	الم یرو الی الطیر مسخرات فی جو السماء ما یمسکهن الا الله	ان فی ذلک لایات لقوم یؤمنون (ایمان)

۱. به استثنای سوره شعراء که ۱۲ بار ترجیع بند تکراری (ان فی ذلک لایة و ماکان اکثرهم مومنین) در آن بکار رفته است.

علاوه بر ۷ مورد فوق، در ۳ آیه دیگر نیز (آیات ۱۰۱ - ۱۰۴ - ۱۰۵) کلمه «آیه» آمده است که سیاق و قالب جداگانه‌ای دارد. این سه آیه خارج از مجموعه هستند.

## سال نزول

در مورد سال نزول این سوره مؤرخین و مفسرین نظریات مختلف و متضادی داده‌اند، کسانی مثل «الاسام» تمام سوره را مدنی گرفته‌اند. در حالی که عده‌ای دیگر آنرا تماماً مکی دانسته «رازی» بنقل از «قتاده» آیات اولیه ۱ تا ۴۲ را مدنی شمرده است. در هر حال آنچه مسلم است برخی از آیات این سوره بطور قطعی و به دلائل تاریخی یا سیاق آن، بر مکی یا مدنی بودن آن دلالت می‌کند. در کتاب «سیر تحول قرآن» با شیوه خاص علمی و آماری آن، این سوره به ۸ گروه مستقل تقسیم شده که در سالهای ۷ بعثت (در مکه) و ۲ و ۵ هجرت (در مدینه) بر پیامبر اکرم نازل گردیده است. این تقسیم‌بندی که برای رسیدن به گروههای هماهنگ و تشخیص و تفکیک آیات غیر معاصر انجام گردیده، به کمک محاسبات مربوطه و مقایسه طول‌های متوسط و غالب آیات و برحسب محتوی و موضوع آنها انجام شده است.

## فرهنگ کلمات

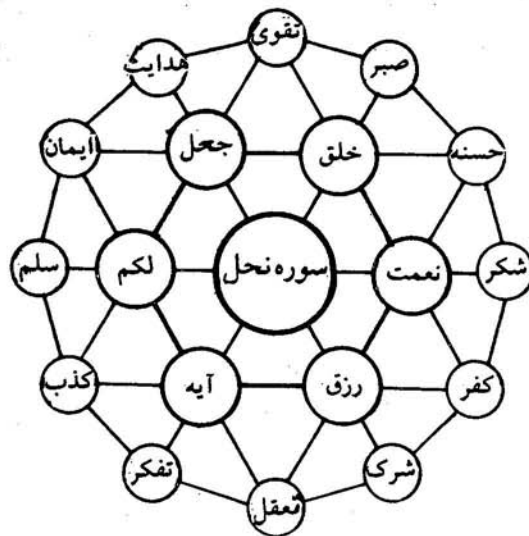
همان طور که سابقاً گفته شد، و در سوره‌های مختلف تجربه کردیم، وفور کاربرد برخی از کلمات می‌تواند راهنمای مفیدی برای شناخت سوره قرار گرفته محتوی و مضمون آن را نشان دهد. در صفحات قبل دیدیم برخی از کلمات مثل: آیه، جعل، نعمه و همچنین مشتقات کلمه خلق (۱۱ بار) در این سوره بیش از سایر سوره‌های قرآن بکار رفته و برخی نیز مانند: لعلکم و رزق و همچنین مشتقات اختلاف (۵ بار) پس از سوره بقره بالاترین رقم را دارا هستند، اینک به برخی دیگر از کلمات که در سوره نحل زیاد بکار رفته‌اند اشاره‌ای می‌کنیم، این کلمات در مجموع مشتقات خود در این سوره بالاترین رقم را ندارند بلکه تنها در ترکیب خاصی چنین‌اند. مثل:

یتفکرون (۳/۱۷)، یشرکون (۳/۲۰)، یأمر (۲/۵)، اتی (۲/۷)، خَلَقَ (۴/۶۴)، یَخْلُقُ (۳/۱۴)، شراب (۲/۷)، حسنه (۴/۲۸)، نبعث (۲/۳)، صبروا (۳/۱۵)، سلم (۲/۴)، کَذِبَ (۵/۱۷)، کاذبون (۲/۱۳)

همچنین برخی از کلمات گرچه از نظر آماری رقم اول را ندارند ولی به هر حال نسبت زیاد کاربرد آنها در سوره «نحل» جلب توجه می‌کند. مثل:

کلمه «عذاب» (۱۰ بار) و مشتقات کلمات: امر و آخرت (۷ بار)، تقوی و اتی (هر کدام ۸ بار)، شرک و احسان (هر کدام ۹ بار)، کذب و خلق (هر کدام ۱۰ بار)، کفر و هدایت (هر کدام ۱۱ بار)، هدایت (۱۲ بار)، اسلام و صبر (هر کدام ۶ بار)، افترا (۵ بار)، یؤمنون (۷ بار)

به این ترتیب اگر خواسته باشیم روح کلی سوره را از خلال کلمات محوری آن استخراج نمائیم، باید این کلمات را که جنبه کلیدی و زیر بنائی دارند، در ارتباط با یکدیگر تصویر نمائیم. در شکل زیر سعی شده این مقصود با توجه به اهمیت نسبی کلمات مورد نظر، و تأکید و تمرکز سوره (از نظر آماری) روی آنها، برآورده گردد. با تذکر این نکته که تصویر مورد نظر تنها وسیله تبیین و تشریح مسئله می‌باشد.



#### بررسی موضوعی در سوره

همانطور که گفته شد، کلمات بخصوصی در این سوره بطور محوری مورد توجه و تأکید قرار گرفته‌اند. از آنجایی که کاربرد این کلمات در سوره نسبتاً زیاد است، بررسی تمامی مواردی که هر کلمه در سوره بکار رفته، می‌تواند کمک زیادی به فهم موضوع و مقصود آن بنماید. فرضاً اگر بدانیم مواردی که کلمه «صبر» در مقاطع مختلف سوره از ابتدا



تا انتها بکار رفته در چه رابطه‌ای با سایر موضوعات سوره می‌باشد، آشنائی بیشتری هم، با کل سوره و هم با واژه مورد نظر پیدا می‌کنیم.

قبلاً مواردی را که دو کلمه: «آیه» و «لعلکم» در سوره آمده است، مورد تجزیه تحلیل قرار دادیم. علاوه بر آن، به موقعیت کلمات: نعمت، جعل، سخر، لکم و... در جدول مربوطه اشاره کردیم. اینک به بررسی برخی دیگر از کلمات (تنها به عنوان نمونه) می‌پردازیم:

#### ۱- خلق (۱۱ بار)

آیه ۳ خلق السموات والارض بالحق تعالی عما یشرکون

« ۴- خلق الانسان من نطفة فاذا هو خصیم مبین

« ۵- والانعام خلقتها لکم فیها دف و منافع و منها تاکلون

« ۸- والخیل والبغال والحمیر لتركبوها وزینة و یخلق مالا تعلمون

« ۱۷- افمن یخلق کمن لا یخلق افلا تذکرون

« ۲۰- والذین یدعون من دون الله لا یخلقون شیئاً و هم یخلقون

« ۴۸- اولم یروا الی ما خلق الله من شیء ... سجداً لله و هم داخرون

« ۷۰- والله خلقکم ثم یتوفیکم و منکم من... ان الله علیم قدیر

« ۸۱- والله جعل لکم ممّا خلق ظلالاً و... لعلکم تسلمون

همانطور که ملاحظه می‌شود، در آیات فوق نظم و ترتیب و انسجام و ارتباط منطقی وجود دارد. ابتدا بطور کلی از خلقت بحق (نه باطل و پوچ) آسمانها و زمین یاد می‌کند و به طور ضمنی به مشرکین، که علیرغم این حقیقت سر بر آستانه معبودهای دیگری می‌سپرند، انتقاد می‌نماید، سپس از خلقت انسان از نطفه ناچیز و خصومت آشکار او با خالق خویش، علیرغم این حقیقت، یاد می‌کند و در آیه سوم از خلقت انعام به عنوان نعمتی ویژه انسان اسم می‌آورد و در چهارمین آیه به مخلوقات اشاره می‌کند که از علم و اطلاع انسان خارج است و بالاخره به عنوان نتیجه‌گیری خطاب به مشرکینی که دنبال الهه دیگر هستند، از مخلوق بودن بت‌هایشان و عدم توانائی آنها در آفرینش کوچکترین چیز انتقاد می‌کند. سرانجام خطاب به انسان از دائره دائمی حیات و مرگ و علم و قدرت خدا بر این جریان یاد می‌کند و در پایان، از سایه و ثمره‌ای که دیگر مخلوقات خدا برای انسان دارند به عنوان تذکری برای تسلیم شدن به قوانین پروردگاری نام می‌برد.

۲- رزق (۱۰ بار)

آیه ۵۶ و يجعلون لما يعلمون نصيباً مما رزقناهم تالله لتسئلن عما كنتم تفترون  
 » ۶۷ و من ثمرات النخيل والاعناب تتخذون منه سكراً ورزقاً حسناً...  
 » ۷۱ والله فضل بعضكم على بعض فى الرزق فما الذين فضلوا برادى رزقهم...  
 » ۷۲ والله جعل لكم ... ورزقكم من الطيبات اقبال باطل يومنون...  
 » ۷۳ ويعبدون من دون الله مالا يملك لهم رزقاً...  
 » ۷۵ ضرب الله مثلاً عبداً مملوكاً... و من رزقناه منا رزقاً حسناً...  
 » ۱۱۲ ضرب الله مثلاً قرية كانت امنه مطمئنة ياتيتها رزقها رغداً...  
 » ۱۱۴ فكلوا مما رزقكم الله حلالاً طيباً و اشكروا نعمت الله ان كنتم تعبدون

مطلب از اینجا آغاز می شود که مشرکین نصیبی از رزق و نعمات خود را به گمان باطل و خود ساخته خویش به خدایان و ارباب موهوم نسبت می دهند، در آیه دوم از رزق حسنه ای که انسان می تواند از میوه نخل و انگور بگیرد، به عنوان نمونه و مصداق روشن یاد می کند. در آیه سوم برتری برخی از انسانها را از نظر روزی نسبت به برخی دیگر متذکر می شود و از این مقایسه نتیجه ای در جهت توحید در ربوبیت و نعمت می گیرد. در آیه سوم از قرار دادن همسر و فرزند برای انسان و روزی مستمر آنها از خزانه الهی یاد می کند و ایمان انسان را به موضوعات باطل و کفر او را نسبت به نعمت های الهی به انتقاد می کشد. بار دیگر از این که انسانها کسان و چیزهائی را عبادت می کنند که هرگز در آسمانها و زمین نه مالک رزقی برای آنها هستند و نه می توانند یاریشان کنند، اظهار تاسف می نماید و در آیه بعد در قالب مثالی روشن مقایسه ای بین دو انسان سربار و مولد می نماید که دومی به اتکاء امکانات خود به دیگران اتفاق می نماید و از این تمثیل منعم و رازق بودن خدا را آموزش می دهد. و بالاخره نتیجه کفر امت ها را به نعمت های خدائی نشان می دهد و سرانجام فرمان برخوردارى آزاد و حلال از نعمت های خدا را توأم با شکر او در جهت عبادت انحصاری و توحیدی پروردگار صادر می نماید.

۳- صبر (۷ بار)

آیه ۴۲ والذين هاجروا... الذين صبروا و على ربهم يتوكلون  
 » ۹۶ ... ولنجزين الذين صبروا اجرهم باحسن ماكانوا يعملون  
 » ۱۱۰ ... ثم ان ريك للذين هاجروا من بعدما فتنوا ثم جاهدوا و صبروا...  
 » ۱۲۶ ... وان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتهم به ولئن صبرتم لهو خير للصابرین  
 » ۱۲۷ ... واصبروما صبرك الا بالله...

در دو آیه اول و سوم موضوع «صبر» در رابطه با هجرت و جهاد و به عنوان پایداری در برابر مشکلات راه حق مطرح شده است، آیه دوم مربوط به اختلافات درون گروهی است و مقصود از صبر مقاومت در برابر انگیزه‌های قدرت طلبی و دنیا پرستی و رقابت برای کسب موقعیت اجتماعی می‌باشد. و بالاخره در دو آیه آخر که چهار بار روی صبر تکیه کرده، بر مقاومت و پایداری نفسانی و خودداری از انتقام و تعدی به دشمنان سفارش می‌کند. به این ترتیب موضوع صبر در این سوره به همه انگیزه‌ها و کشش‌های درونی و بیرونی نفس انسان تعمیم یافته است.

#### ۴- تقوی

آیه ۲- يَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ.

» ۳۰- قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ... وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ.

» ۳۱- جَنَّاتُ عَدْنٍ... كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُتَّقِينَ.

» ۵۲- وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصْبَاً أَفْغِيرَ اللَّهِ يَبْغُونَ.

» ۸۱- وَجَعَلَ لَكُم سُرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَ سُرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْبَأْسَ...

» ۱۲۸- إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ.

ردیف اول و آخر آیات فوق که مقدمه و جمع بندی سوره محسوب می‌شوند، از تقوی به عنوان عامل رستگاری انسان یاد می‌کند. در ردیف اول تقوی را وسیله رسیدن به توحید معرفی می‌کند و در آیه آخر معیت و همراهی خدا را با متقینی که اهل احسان باشند نشان می‌دهد. ردیف‌های ۲ و ۳ (آیات ۳۱ و ۳۰) از پادشاهای اخروی متقین یاد می‌کند و در ردیف ۴ با توبیخی تنبیهی مشرکین را مخاطب می‌سازد که چرا از خدای یکتا که همه آنچه در آسمانها و زمین است، و قانون و نظام هستی یکسره بدست اوست، پرهیز نمی‌کنند.

#### ۵- شکر

آیه ۱۴- وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لَكُمْ لَتَكُلُوا... وَتَرَى الْفَلَکَ مُوَخَّرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ

#### تشکرون

» ۷۸- وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بَطُونِ امْهَاتِكُمْ... وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ

#### تشکرون

» ۱۱۴- فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ أَنْ كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

» ۱۲۱- إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، شَاكِرًا لَانِعْمَةِ اجْتَبَاهُ...

در آیه اول از نعمت‌هایی که خداوند با مسخر کردن دریا برای انسانها مهیا کرده، مثل ماهی تازه، مروارید، مسافرت و حمل و نقل و انتقالات نام می‌برد که انسان با توجه و تذکر به آنها باید از این نعمت‌ها در جهت خدا بهره‌برداری صحیح (شکر) نماید، در آیه دوم از ابزار شناخت انسان مثل چشم و گوش و دل نام می‌برد که باید تمامی این وسائل در طریق آنچه خدا خواسته بکار افتد (شکر).

در آیه سوم استفاده از همه روزی‌های حلال و طیب را برای انسان مجاز می‌شمرد و تنها از او می‌خواهد از این نعمت‌ها در مسیر آنچه خدا خواسته و مقرر داشته استفاده نموده منحصر او را بندگانگی نماید. و بالاخره در آخرین آیه از ابراهیم خلیل الله به عنوان اسوه و الگوی شکرگذاری نام می‌برد که همواره برای خدا فروتن بود و آنچه داشت تماماً، بدون آن که انگیزه شرکی در آن دخالت داشته باشد، در راه خدا بکار می‌برد (شکر).

#### ۶- سلم

آیه ۲۸- الذین تتوفاهم الملائكة ظالمی انفسهم قالوا السلام ما كنا نعمل من سوء...  
 « ۸۱- والله جعل لکم... وجعل لکم... وجعل لکم... کذلک یتم نعمة علیکم لعلکم

#### تسلمون

« ۸۷- ..ونزلنا علیک الكتاب تبیاناً لكل شی و هدی و رحمہ و بشری للمسلمین  
 در آیه ردیف اول از تسلیم شدن اجباری آنان در روز قیامت یاد می‌کند. اما خداوند می‌خواهد انسان با اراده و آگاهی خود و در حیات دنیایی به پروردگار منعم خویش تسلیم شود. در آیه ردیف دوم نعمتهایی را ذکر می‌کند که خداوند مختص انسان نموده است تا با اتمام نعمتها تسلیم حق گردد.  
 و بالاخره در دو آیه آخر برای کتاب خصوصیتی ذکر می‌کند که نهایت آن بشارت بهشت به کسانی است که تسلیم حقایق مندرج در آن می‌گردند.

#### ۷- تبیین کتاب

در این سوره سه بار نقش تبیین کننده کتاب (قرآن) را نه تنها برای مسلمانان و در روابط جامعه اسلامی، بلکه برای اهل کتاب و حتی جامعه جهانی یشری بیان می‌کند تا به عنوان «قانون» و ملاک و معیار حق، در کلیه روابط و امور حاکم باشد. آیات مورد نظر بقرار ذیل می‌باشد:

آیه (۴۴) وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم ولعلهم یتفکرون  
 « (۶۴) و ما انزلنا علیک الکتاب الا لتبین لهم الذی اختلفوا فیه و هدی و رحمہ لقوم  
 یؤمنون.  
 « (۸۹) ونزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شی و هدی و رحمۃ و بشری للمسلمین.

در نخستین آیه از نزول ذکر (قرآن) به دنبال بیناتی که به سایر رسولان وحی شده است،  
 خبر می دهد و این کتاب را رحمتی برای همه مردم (ناس)، نه فقط اعراب همزمان پیامبر  
 معرفی می کند تا پیامبر آنچه را که بتدریج بر مردم نازل می شود برای آنها تبیین نماید. به  
 امید آنکه در آن تفکر و اندیشه نمایند.

آیه دوم بدنبال مقدمه ای که از ارسال رسولان بسوی اقوام مختلف و فریب خوردن آنها  
 از شیطان یادآوری هایی کرده، آمده است. در این آیه شأن و فایده کتاب را تبیین آن چیزی که  
 در آن اختلاف دارند بیان می کند، یعنی همان اختلافی که در باره حق و معارف و احکام  
 الهیه دارند. ضمیر «لهم» ممکن است به مشرکین زمان پیامبر برگردد و ممکن است به اهل  
 کتاب مربوط باشد. چرا که به تصریح قرآن (در سوره نحل آیه ۷۶) قرآن بیشتر اختلافاتی را  
 که بنی اسرائیل دارند برای آنها بیان می کند (ان هذا القرآن یقص علی بنی اسرائیل اکثر الذی  
 هم فیه یختلفون). به این ترتیب در این آیه شأن اصلی قرآن را رفع اختلاف و بیان حق و باطل  
 بودن مواضع گروه های مردم توصیف می نماید که با اعتقاد رایج بسیاری از مسلمانان  
 امروزی که معتقد هستند قرآن به دلیل برداشتهای مختلف و متضادی که از آن می شود، خود  
 منشاء اختلاف است! تناقض دارد.

سومین آیه نیز که در مقدمه سلسله آیات مستقلی در ارتباط با پیدایش اختلاف و  
 دسته بندی های قدرت طلبانه در جامعه ایمانی (در ابتدای هجرت) قرار گرفته، بار دیگر از  
 شأن کتاب که بیان کننده همه چیز (تبیاناً لکل شی) است یاد می کند تا مسلمانان با  
 عبرت گیری از امت های پیشین، که بدلیل اختلاف رفتار عواقب سخت و پریشانی و  
 دشمنی گشتند، کتاب خدا را به عنوان ضابطه و قانون و معیاری که بیان کننده همه چیز  
 می باشد نصب العین و حاکم بر روابط اجتماعی خود سازند و اگر تسلیم این حقیقت  
 گشتند به هدایت و رحمت و بشارت (رستگاری و بهشت) خواهند رسید. (... وهدی و  
 رحمہ و بشری للمسلمین)

لازم به یادآوری است که کلمه «لتبین» و «تبیان» تنها در این سوره آمده است.

## ۸- اختلاف

موضوع تبیین کتاب که در بحث فوق به آن اشاره شد، تماماً در رابطه با اختلاف مردم در حقانیت آنچه پیامبران مبلغ آن بودند، مطرح گشته است. مشرکین در مسئله معاد و بعثت روز قیامت اختلاف می کردند و با جدیت سوگند می خوردند که هرگز خدا کسی را که مرده باشد برنمی انگیزد (آیه ۳۹) و بنی اسرائیل در حرمت روز «سبت» (تعطیل روز شنبه) و حقانیت و مشروعیت آن اختلاف نمودند. همچنین مسلمانان پس از استقرار در مدینه و کسب قدرت نسبی، با فراموش کردن دوران قلت و ذلت و نصرت الهی، به اختلاف و رقابت بر سر قدرت و ثروت روی آوردند. آیات ذیل بر موضوع اختلاف مردم در باره حق و نقش تبیین کننده کتاب بحث و تأکید می کند تنها خداوند است که روز قیامت در این اختلافات حکم می کند:

آیه (۳۹) واقسموا بالله جهد ايمانهم لايبعث الله من يموت بلى وعداً عليه حقاً و لكن اكثر الناس لا يعلمون - ليبين لهم الذي يختلفون فيه و ليعلم الذين كفروا انهم كانوا كاذبين.

آیه (۹۲) ولا تكونوا كالتى نقصت غزلها من بعد قوة انكاثا... و ليبين لكم يوم القيمة ما كنتم فيه تختلفون.

آیه (۱۲۴) انما جعل السبت على الذين اختلفوا فيه و ان ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون.

آیه (۶۴) و ما انزلنا عليك الكتاب الا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه...

## اسماء الحسنی

نام های نیکویی که در این سوره بکار رفته اند می تواند راهنمای مفیدی (همچون سوره های قبل) برای فهم محتویات سوره باشد، ابتدا این نام ها را بترتیب ذکر می کنیم آنگاه نتیجه گیری می نماییم:

۱- الله ۸۴ - ۵- روف ۲ بار - ۹- عزیز یکبار

۲- رب (مضاف) ۲۰ بار - ۶- قدیر ۲ بار

۳- رحیم ۶ بار - ۷- علیم ۲ بار

۴- غفور ۴ بار - ۸- حکیم یکبار

بجز «الله» و «رب» که نسبت متوسطی همانند سایر سوره ها دارند، تکرار زیاد نامهای: رحیم، غفور و رؤف هماهنگ با موضوع و سیاق اصلی سوره که ذکر نعمت های بیکران

پروردگار و رزق فراوان اوست می باشد، اختصاص این همه نعمت به انسان از یک طرف به رحمت و رأفت او مربوط می باشد، از طرف دیگر ابتلاء و امتحان الهی را از طریق این امکانات و نعمات نشان می دهد. به همین دلیل اسماء: علیم، حکیم، قدیر و عزیز هم در سوره آمده است.

### آهنگ خاتمه آیات

از ۱۲۸ آیه این سوره ۱۱۱ مورد آن با حرف «ن» ختم شده که به عملکرد انسان مربوط می شود. (مثل: قاتقون، تعلمون، یفکرون، یعقلون، یذکرون، تشکرون، تهتدون، مستکبرون، کافرین، تعلمون، یظلمون، یکذبون، یشعرون، مشرکون، یفترون، مسلمین و یتوکلون و...) و ۱۵ مورد آن به حرف «م» که نام خدا یا عذاب و راه او می باشد (مثل: رحیم، حکیم، الیم، عظیم، مستقیم، رحیم و... آیه ۵۸ «کظیم» در این مورد استثنا می باشد). آیات ۴۷ و ۷ (رؤف رحیم)، آیات ۱۱۰-۱۱۵-۱۱۹ (غفور رحیم) آیه ۶۰ (عزیز حکیم) آیات ۶۳ و ۱۱۷ (عذاب الیم) آیات ۷۶ و ۱۲۱ (صراط المستقیم) آیات ۹۴ و ۱۰۶ (عذاب عظیم) آیه ۹۸ (شیطان رحیم) و آیات ۷۰ و ۷۷ (قدیر)

### آزادی انسان

از آنجایی که بخش عمده ای از این سوره جنبه جدلی داشته و مقابله و معارضه ای با مشرکین بشمار می آید، همانند سوره انعام بر اختیار و آزادی انسان تاکید زیاد می کند تا به رسول اکرم که مبلغ پیام های توحیدی است، به مؤمنین بفهماند در طریق ایمان نمی توانند بر اکراه و اجبار و تحمیل و تکلف تکیه نمایند. آیاتی که معنای فوق را افاده می نمایند از این قرارند:

- ۱- آیه ۹ (و علی الله قصد السبیل و منها جائز ولو شاء لهدیکم اجمعین)،
- آیه ۳۵ (قال الذین اشرکوا لواء الله ما عبدنا من دونه ... فهل علی الرسل الا البلاغ)،
- آیه ۳۷ (ان تحرص علی هدیهم فان الله لایهدی من یضل...)،
- آیه ۶۱ (ولویواخذ الله بظلمهم ما ترک علیها من دابة و لکن یؤخرهم الی اجل مسمى...)
- آیه ۱۲۵ (... ان ریک هو اعلم بمن ضل عن سبيله و هو اعلم بالمهتدین).

## ارتباط سوره‌های نحل و اسری (۱۷ و ۱۶)

در اواخر سوره نحل (آیات ۱۱۸ و ۱۲۴) دو اشاره اجمالی بصورت جمله معترضه، در میان آیات اخلاقی و ارشادی، خطاب به مؤمنین به قوم یهود شده است که در اولی حرام گشتن برخی از خوردنیها را، بخاطر ظلم و ستمی که آن قوم بر نفس خویش می کردند، بیان می کند و در دومی اختلافی را که در حرمت روز شنبه و پاس نگاه داشتن آن میانشان بروز کرد شرح می دهد. در خلال این دو اشاره و پس از آن، پندهای عمیقی از توحید و شکرگزاری خدا و پیروی از ملت ابراهیم، دعوت مردم بسوی پروردگار از طریق حکمت (بهترین رفتار) و پند نیکو و مجادله احسن، صبر و تحمل و... به مسلمانان آموزش می دهد. این اشارات ارشادی است برای مؤمنین و علامتی است برای عبرت گیری و احتراز از ظلم و ستم و اختلافی که در میان یهود بروز کرد.

سوره اسری نیز که سیر شبانه پیامبر را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی (دو کانون توحیدی دو امت مسلمان و یهود) شرح می دهد، آن حضرت را به حوادثی که در تاریخ این امت بزرگ بر آنها گذاشته است و پریشانی ها و بدبختی هایی که بخاطر تبه کاری و فساد و ظلم و استعلا دامن گیرشان شده است، آگاه می سازد. تا عبرتی برای امت آخرالزمان باشد و از گام نهادن در لغزش گاه های یهود دوری نمایند. در این سوره پس از اشاره اجمالی در اولین آیه به مسئله معراج، از ایتاء کتاب هدایت (تورات) به حضرت موسی، برای آنکه قومش تکیه گاه و نگه داری بجز خدا نگیرند، یاد می کند (واتینا موسی الکتاب و جعلناه هدی لبنی اسرائیل (الا تتخذوا من دونی وکیلاً) و پس از آن نشان می دهد که این قوم بجای بهره برداری و رهجوئی از کتاب (شکر نعمت هدایت)، به فساد در زمین پرداخته و با خود بزرگ بینی به ظلم و تجاوز به اقوام دیگر پرداختند و بهمین دلیل گرفتار انتقام آنان شده، دو بار مورد شدیدترین حملات دشمن قرار گرفتند تا جائیکه مسجد الاقصی ویران و خودشان قتل عام گردیدند.

این سیر شبانه، سرنوشتی را که در صورت بروز اختلاف و ظلم و ستم در انتظار مسلمانان است، برای پیامبر نشان می دهد تا امتش را از آن آگاه سازد. به این ترتیب فرازهای پایانی سوره نحل و آیات ابتدای سوره اسری یکسان بودن قوانین الهی و استثناء ناپذیری آنرا در مورد سرنوشت دو امت بنی اسرائیل و مسلمانان تبیین می نماید. علاوه برآن، سوره اسری اجمال و اختصاری را که در پایان سوره نحل به آن اشاره شده بود با شرح و تفصیل ارائه می دهد.